

SPIDER-MAN/ DEADPOOL

#15

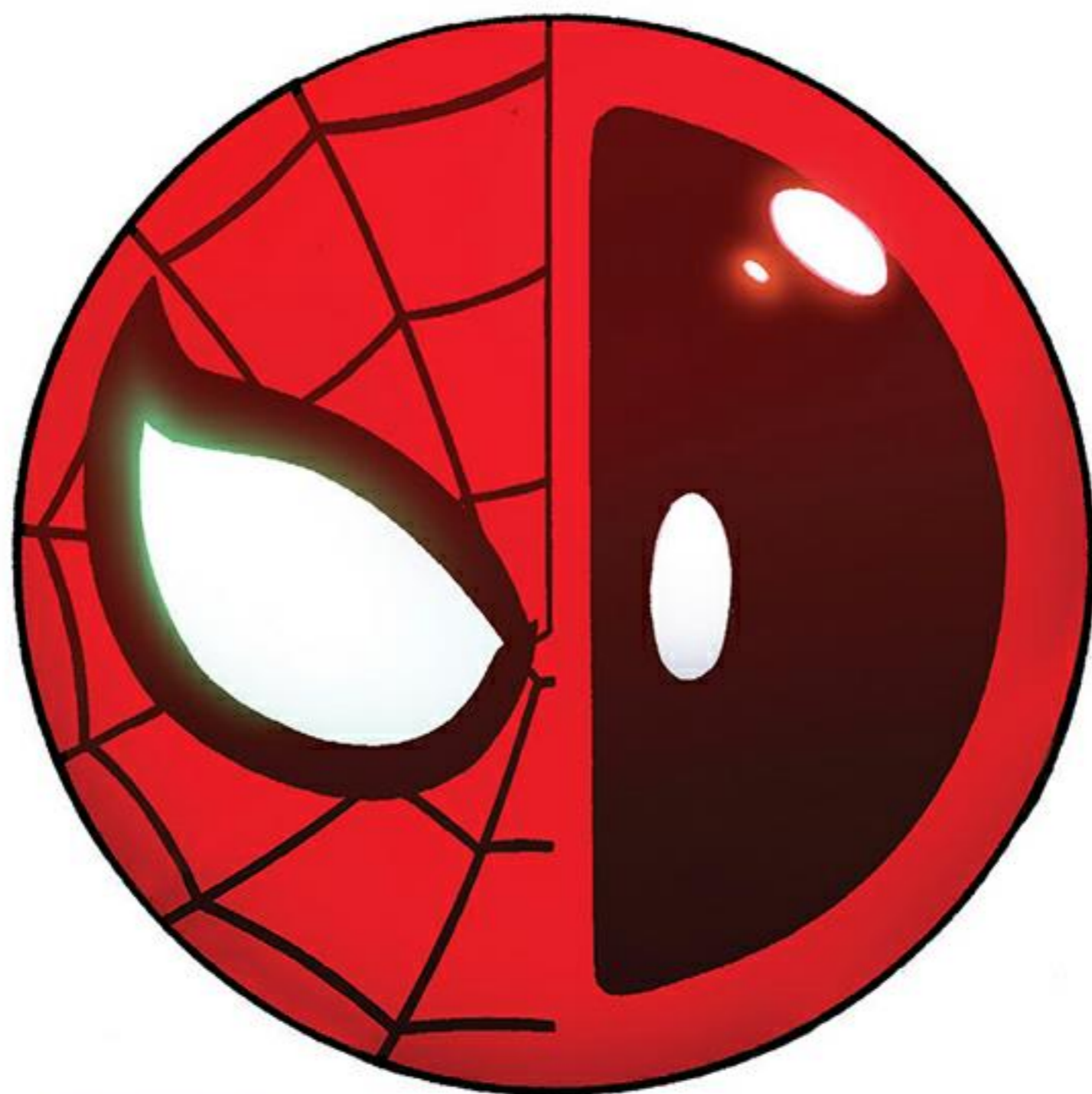
CORIN
KOBUSH
FILARDI

MARVEL

COMIC CITY

تالظه ی مرگ ... قسمت دوم





دیگه شعورشو در آوردی ... تو حق نداری دیوار چهارم رو بشکونی!*

اگه من به خواسته‌هام نرسم، ارتش هیولاهام کل دیوارای شهر مزخرفت رو میشکونه!

باورش واسم سخته که این قضیه مربوط به من نباشه. این کتاب منه!

نخیر! این کتابیه که تو با "دوست جون جونیت" مرد عنکبوتی تقسیم کردی!

اووووه، این یکی خیلی فراتر از گندکاری‌های تونه شوهرم! هیولاهای دیگه زیادی تو تونلها زیر پای انسانها با ترس زندگی کردن! دیگه از این خبرا نیست!

باشه شیکلاه، بابا فهمیدم ... تو فکر میکنی من به اندازه کافی واسه تو وقت نداشتم! نیازی نیست انقدر بزرگش کنی.

توجه کنید ای انسانها! شما دستور دارید تا فوراً جزیره‌ی منتهان رو تخلیه کنید زیرا که هم اکنون بخشی از حکومت هیولاهاست!

سلام بچه‌ها، منم ددپول، همراه ... با ...



*شکستن دیوار چهارم به معنای اشاره‌ی مستقیم به خیالی بودن شخصیت‌ها (اشاره به کتاب) و یا صحبت مستقیم با خواننده است.

L'I' DEADPOOL ART BY IRENE Y. LEE

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

Joshua Corin
writer

Scott Koblish
artist

Nick Filardi
colorist

VC's Joe Sabino
letterer

Reilly Brown & Jim Charalampidis
cover artists

Heather Antos
assistant editor

Jordan D. White & Nick Lowe
editors

Axel Alonso
editor in chief

Joe Quesada
chief creative officer

Dan Buckley
president

Alan Fine
executive producer



کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکند

© 2017 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM

راکندر
مرکز هیولاهما،
شهر نیویورک.



باقی تیغ، ملقب به
خون آشام خوردکن



سازمان محافظت از
حقوق حیوانات، ریلکس باش ...
هیچ گاز واقعی ای برای ساخت
این صحنه کشته نشده.

به جز این
یکی!

و این یکی.

ددپول،
مزدور وارچ



تیغ! رفیق! هویت جعل کنه مورد علاقه‌ی من اینجا چیکار میکنه؟

دارم میخورم! میکنم!؟

رقص باله؟



اون لباس مسخره رو واسه چی پوشیدی؟

یه جورایی دارم از خانومم قایم میشم.

شایعات درسته؟ مسئولیت این حمله با اونه؟

بستگی داره چطوری بهش نگاه کنی.

شیکلاه از عصای سلطنتی منتیکور استفاده کرد که این هیولاهارو صدا کنه بیان کنارش و منتهان رو فتح کن؟

خب، اگه بخوای اونطوری بهش نگاه کنی ...

KA-BLAM KA-BLAM

SLICE



منم رفتم سراغش. ولی روانشناسم گوشه‌ی رو جواب نداد.

موفق باشی. اینایی که الان دیدی فقط مثل اردک حوضش میموندن.

راست میگویی، کمک نیاز داریم.

پس باید جلوشو بگیریم.



آخرین فرزند خانواده‌ی ون هلسینگ، کمپر ون هلسینگ، اینجا تو نیو یورک کار میکنه.

اون شاید به مهمات جادویی خانواده‌اش دسترسی داشته باشه.

به نظرت تو این مهماتش، ممکنه یه دستگاہی هم داشته باشه که بتونه یه سری هیولای خاص رو پیداکنه؟



ممکنه، چطور؟

اوه، هیچی همینطوری ...

خب، این بانو کمپر ون هلسینگ رو کجا میتونیم پیدااش کنیم؟



صنایع پارکر



دفتر مدیریت

پیتر پارکر

... ولی وقتی به پرونده هاتون نگاه میکنم خانم ون هلسینگ، واقعا راه دیگه ای نمیبینم.

ملقب به مرد عنکبوتی شکفت انگیز



شما داری ... دارین منو اخراج میکنین؟؟



طی سه ماه گذشته حداقل هفته‌ای دو روز غایب بودین.

مخفیانه که با جرم و جنایت مبارزه نمیکنین ... میکنین؟

یه جورایی.

واقعا؟؟

من یه ابرقهرمان لول ۶۶ توی بازی ورسس دارم.

ورسس یه بازی تو سبک نقش آفرینی آنلاینه که توش ابرقهرمانا با خلافاکارا توی بیش از ۱۰۰ زمین میجنگن.

توی کل دنیا فقط یه تعداد کمی هستن که لول بالای ۶۰ دارن.

اول. حتما داری با یه ابرقهرمان خیلی خفن بازی میکنی!

دقیقا!



مرد عنکبوتیه؟؟



اوه، بهتر از اون ...

ددپوله!!



خیلی بد شد. کمپر یکی از بهترین مهندسای بخش تحقیقاتمون بود.

ام ... آنا ماریا، اون بیرون چخبره؟؟

اوه، نمیدونم. دیگه دارم به این حملات هیولاهای عادت میکنم.



مناسقم که نتونستیم مسائل رو اینجا حل کنیم.

خواهش میکنم، یه شانس دیگه به من بدین.

یادت نره موقع سر راحت مصاحبه ی موقع خروجت هم انجام بدی.

K'CHAW K'CHAW
FOOOOSH



کوووچا!

گرررر!

SHOOOSH

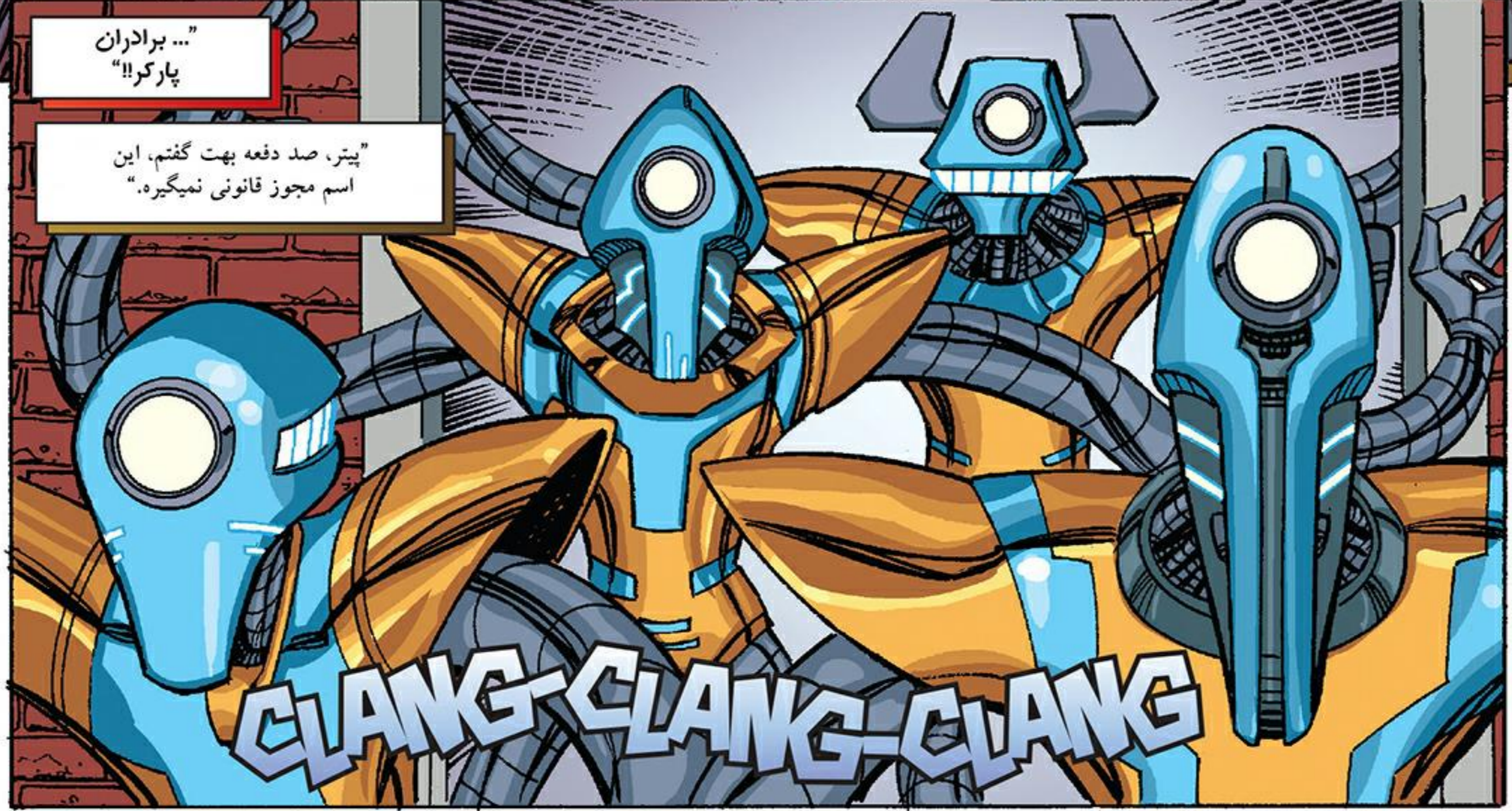
ااااا

کمک!!

نجاتمون بدین!



باید از شهر مراقبت کنیم. وقتشه که جدیدترین اختراصمون رو توی دفاع امتحان کنیم ...



"... برادران پارکر!!"

"پیتز، صد دفعه بهت گفتم، این اسم مجوز قانونی نمیگیره."



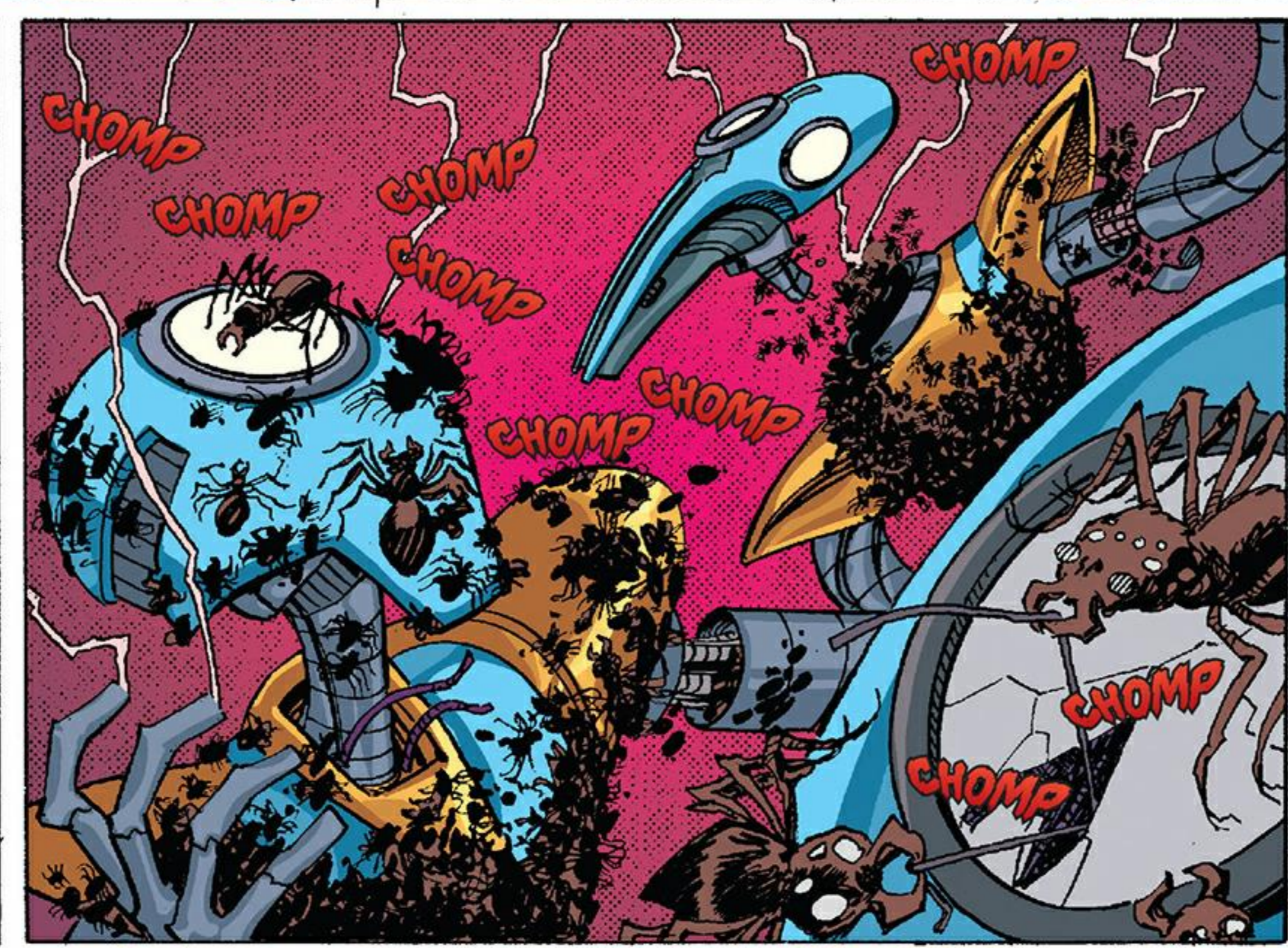
انسان‌ها از دستگاشون استفاده میکنن که کمکشون کنه قایم شن...

... درست همونطور که سالها ازشون استفاده کردن که ما رو مجبور کنن قایم شییم!



ولی هیچ چیز نمیتونه نجاتشون بده!!

به ویژه این دستگاشون!!



از عنکبوتای جادویی استفاده کردن که برادران پارکر رو بخورن!

به هر حال باید از کنایه‌ی جالبش لذت ببریم دیگه، نه؟

من باید برم اون بیرون.



اوه! اون چی میخواد دیگه این وسه؟؟



سلام،
وید.

داداشم!
عنکبوت من!

اوضاع چطوره؟
کله پا اویزون شدی،
نه؟



بین، واقعا
وقت بدی ...

احیانا الان تو
صنایع پارکر که نیستی،
هستی؟

چرا اتفاقا هستم،
ولی میخوام برم
بیرون.



من تو راه
اونجام.

خوشبختانه این جادوگرای
طوفان به دست نمیتون
مستقیم شلیک کنن!



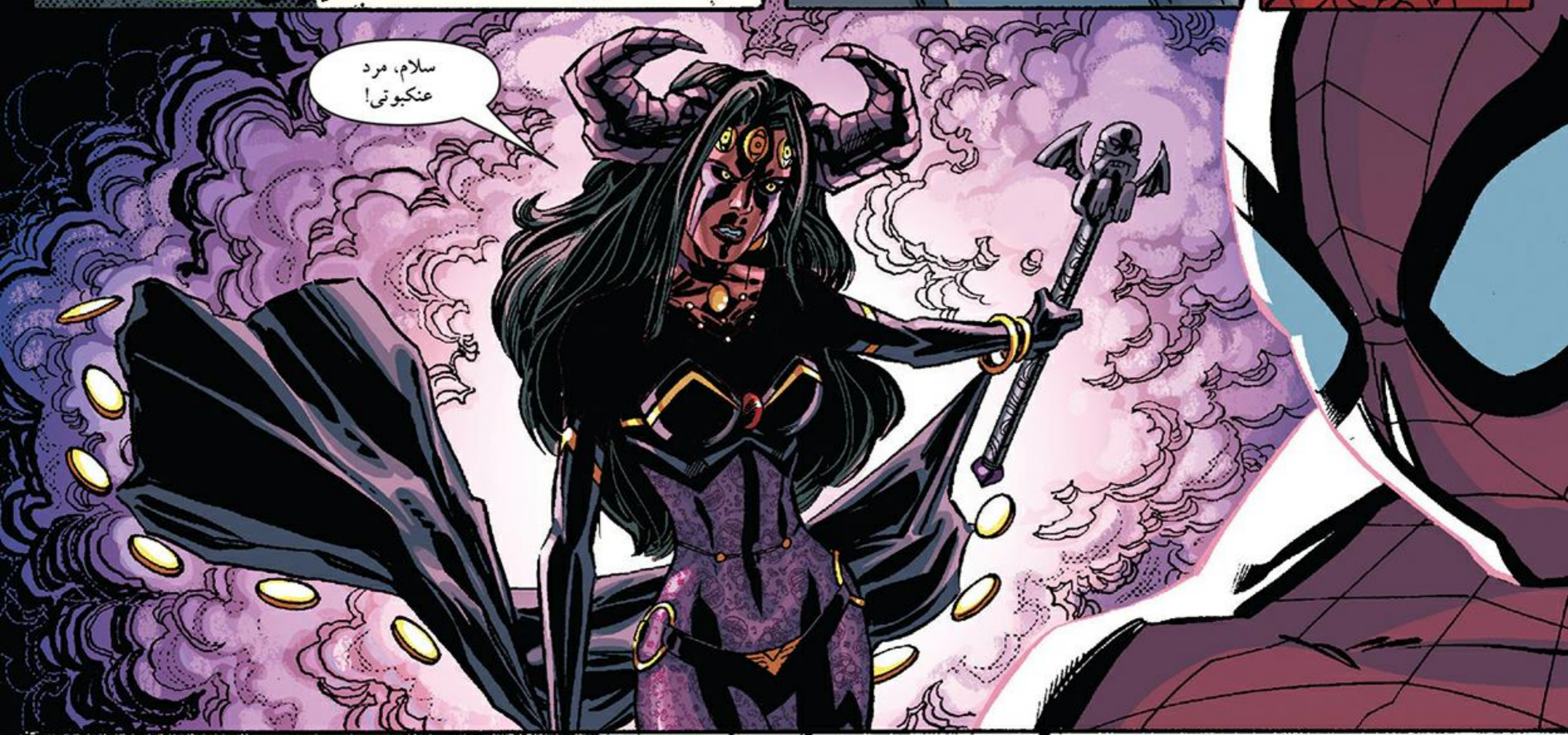
ما هم به
جورایی اینجا
دستمون بنده.

حالا هرچی. من باید
با یکی که اونجا کار میکنه
حرف بزنم، امیدوار بودم که بتونی
نگهش داری تا پیام. اسمش ...



الان اصلا وقت
ددپولو ندارم ...

... صبر کن بینم، حس
عنکبوتیم چرا داره قلقلک
میده؟



سلام، مرد
عنکبوتی!



احتمالا آنتن
ضعیفه.



خوبه که دیگه
دارم میرسم.

SCREECH



اون تغییر قیافه شاید
یه سری هیولای سطح
پایین رو گول زده باشه ...

... ولی هیچوقت
نمیتونه مارو گول
بزنه!

... و حالا ما
تورو به اسارت میگیرم!

ZZZZZAP



من ترتیش
رو میدم.



یه سری حساب
داریم که باید صاف
کنیم.

گرگینهی نیمه شب



ما انبار مهمات نداریم.
یه ساختمان تحقیقاتی تجهیزاتی
داریم.

خب، ام،
چه خبرا شیکلاه؟

اومدی اینجا که سر
قضیهی حمله کمک کنی؟

آره، دقیقاً واسه
همون اینجام.

عالیه!

منو ببر به
انبار مهماتون.



بفرمایید.
"درمان های فردا
از امروز شروع
میشه."
آه، آره.
چونکه فردا خیلیا قراره
تو درد باشن.
نه آگه ما
کاری براش بتونیم
بکنیم، درسته؟
اووووه، من که
خیلی کارا قراره براش
بکنم.
اممم،
اوکی.



شرمنده آگه به کم حواسم
سر جاش نیست، حس عنکبوتیم
داره دیوونم میکنه.
میفهمم، امثال من
مردمو به ترس میندازن.
همم ... فکر
نمیکنتم حس عنکبوتیم
نژاد پرست باشه ها ...



این چیکار
میکنه؟
اوه، اون ...
اون خیلی چیز
ردیفیه، کاری که
میکنه چیزه ...
خودتم نمیدونی،
مگه نه؟
خب آگه
قرار باشه حدس
بزنم ...
هی!



میدونم، میدونم.
تو راه رفتن بودم که
یادم اومد که هویهام
رو جا گذاشتم. با پول
خودم خریده بودمش.
من عاشق
هویهام هستم!
هویهام کج
پس؟
امم، تو
نباید احمیانا ...
هنوز آماده
نشده!
فکر کنم
هیچوقت هم
نشه ...



اونوقت اسم این
اختراعت رو چی
گذاشتم؟
آه!!!
خب درواقع
آدمومجبور به خواب میکنه،
واسه همین اسمشو گذاشتم
مرد شنی.



مرد شنی؟!
امم ... حالا بعدا بیا
یه اسم دیگه پیدا
کنیم ...



چند نفر رو میتونه
همزمان تحت تاثیر
قرار بده؟
فعلا یه
شعاع ده قدمی
داره، واسه جاهایی مثل
اتاق بیمارستان یا کلینیکای
درمانی.



دوست دارم با خودم
ببرمش، ولی مرد عنکبوتی
درست همینجا وایساده.



دیگه
نیست.



تا چه شعاعی
میخواوی؟
خب بگو ببینم ...
تا چندتر میتونی شعاع
مردش رو گسترش
بدی؟
امم ...



همم ... شعاع
نیویورک چندتره؟



در همان حین ...

آخرین چیزی که یادمه چیز بود ...

اوه اوه.



حس بدی نسبت به این اوضاع دارم.

این همبرگر سه گوشت محشره! ولی سه تا گوشتش گوشت چیه؟

گاو، بز و انسان.

بالاخره میتونم به آرزوم برسیم و ستاره تئاتر بشیم!

بلدی بخونی و برقعی؟

نه، ولی یه حسی ته دلم بهش دارم که نمیشه بذارمش کنار.

بیا یه تخم مرغ دیگه بزن.

DOO-DOO DOO-DOO DOO-DOO-DOO-DOO



هوپی کوچولو. وید.

میدونی، جالبه ... هیچوقت فکر نمیکردم که "اون یگن" کسی باشم که یه ازدواج و خراب میکنه.

من با اسلحه کله تورو نترکوندم؟

حالم بهتر شد.

باید دوباره کلهات رو بترکونم.



هرچقدر میخوای بخند توپ پشیمی. دهننت باز باشه، هدف گیری واسه کلهات راحت تر میشه.

من سلاحاتو توقیف کردم.

من دارم سعی میکنم کلهات رو بترکونم.

ددپول، من دارم سعی میکنم عذرخواهی کنم!

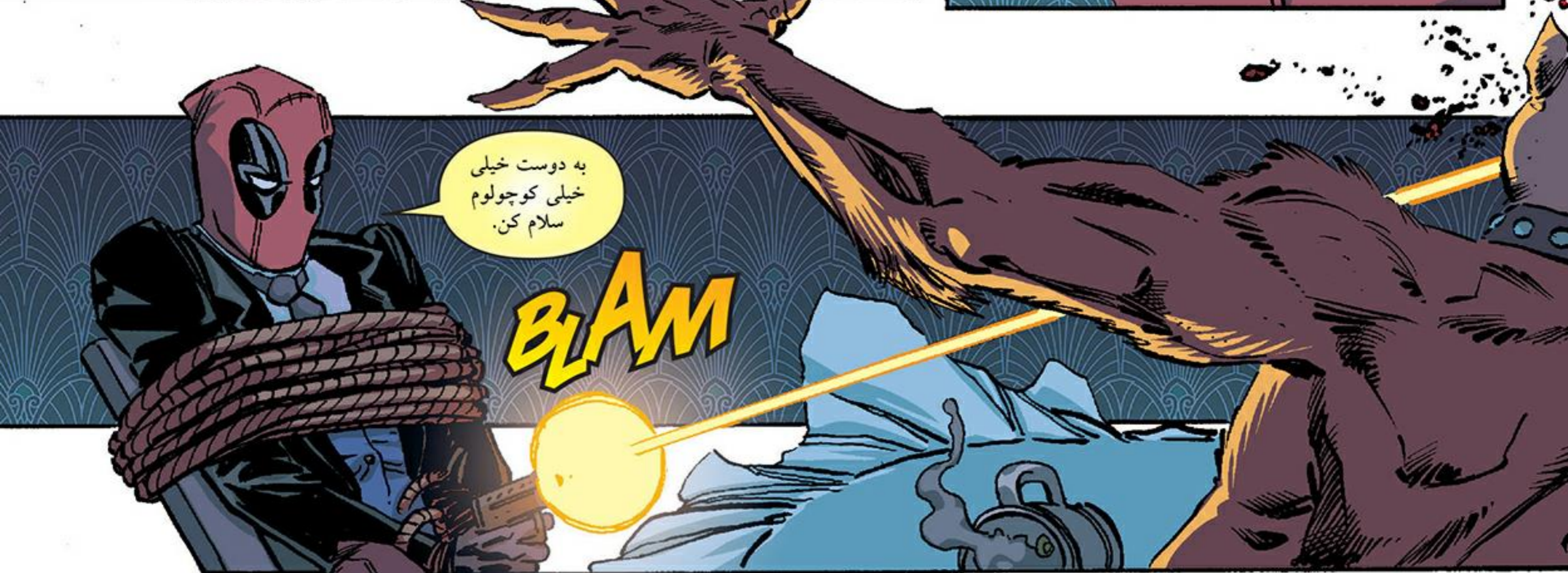


من واسه نقشی که تو همه‌ی این قضایا داشتم حس بدی دارم، واسه همینم بهت یه لطفی میکنم.

همین الان میکشمت.



مرسی، منم میخوام بهت یه لطفی کنم.



به دوست خیلی خیلی کوچولوم سلام کن.

BLAM



شرط میندم داری آرزو میکنی ای کاش این اسلحه کوچولو هم توقیف کرده بودی.

شرط میندم برات سواله این یکیو کجا قایم کرده بودم، مگه نه جک؟



شرط میندم الان میدونی چرا انقدر طول میکشه تا از توالت عمومی استفاده کنم.

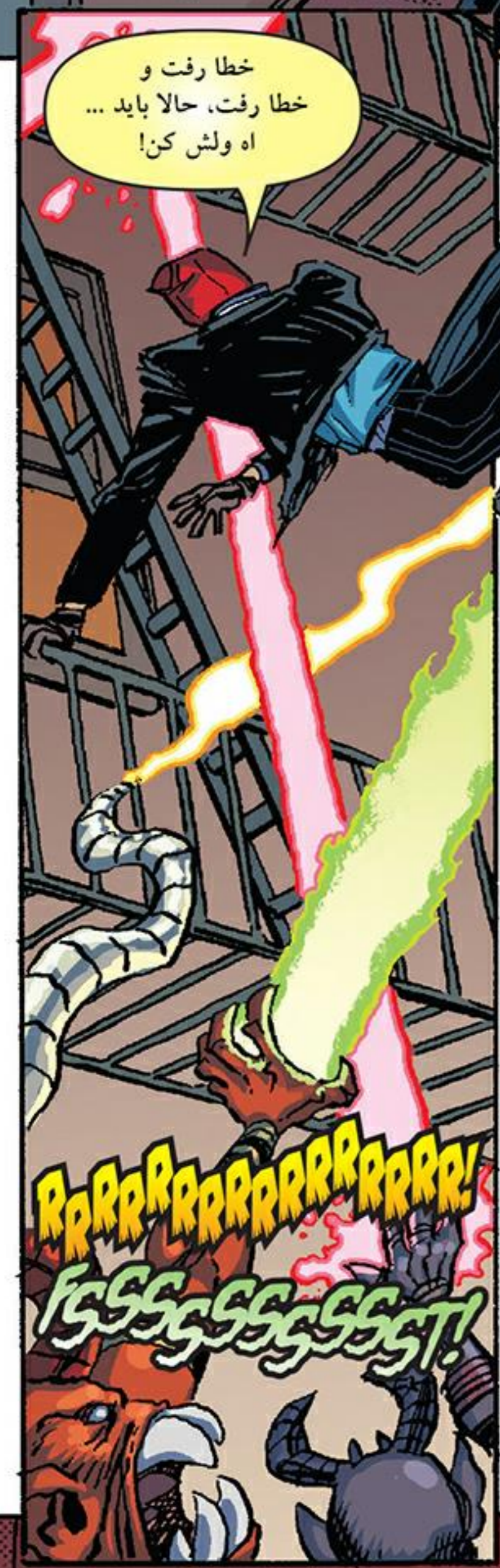
BLAM
BLAM
BLAM



منو پیا!!!

جلوتو نیگاه
کن احمق!

BLAM



خطا رفت و
خطا رفت، حالا باید ...
اه ولش کن!

RRRRRRRRRRRRRRRR!
FSSSSSSSSSSSS!



اوووووو، طناب
بندبازی!



یاااااااااا
نه! طناب بندبازی
نیست!

سسسس!



اااااا!
کیوتر هیولا شکوفه
زد به هیکلم!

PLOP



هممم.
کیوتر هیولا ...



من دارم به کیوتر هیولا رو میروم! ووووووووو!

راحتو برو کیوتر هیولا! راحتو برو!

من دارم پرواز میکنم احمق، تو فقط داری باهام میای چون به اسلحه گرفتی رو سرم.



این حمله زیر سر تونه، مگه نه؟

نه! این حمله زیر سر شماهاست! شما انسانهای گستاخ مارو مجبور کردین سالها تو سایه ها زندگی کنیم!

خب، شاید اگه هی بهمون حمله نمیکردین ...



خودتون شروع کردین!!



من نه! من همسایه‌ی مهربوتون مرد عنکبوتی‌ام!

یادداشت و همه چیز هم داشتیم ...



سکوت!

!!!!!!

الان میکشیش!



پس بهتره عجله کنی و اختراعات و اونظوری که گفتم تکمیل کنی!

بهت که گفتم ... کاری که تو میخوای به انرژی فضایی میخواد ... به چیزی تو مایه های اگزازول ...

اوو، خیالت راحت، قدرتی که تو این عصاست فضاییه!

و بهتره که مطمئن باشی مردشنی فقط رو انسان‌ها تاثیر میذاره.



بسه دیگه به اون اسم صداش نکنین ...



هممم، جادوگرا ...

یه شکوفه بنداز روشن کیوتر.

چطوره فقط به جاش تورو بندازم روشن؟



بذارین
رد شم.

یا چی؟؟

شما به اندازه
کافی مجهز نیستی
که زنده بمونین.

به اندازه کافی
مجهز نیستی که مارو
تهدید کنی ای
انسان.



هشدار
آخره.



هاهاهاهاهاها!



بهشون هشدار
دادم.

THOOOP



بمیرین
دوستان!

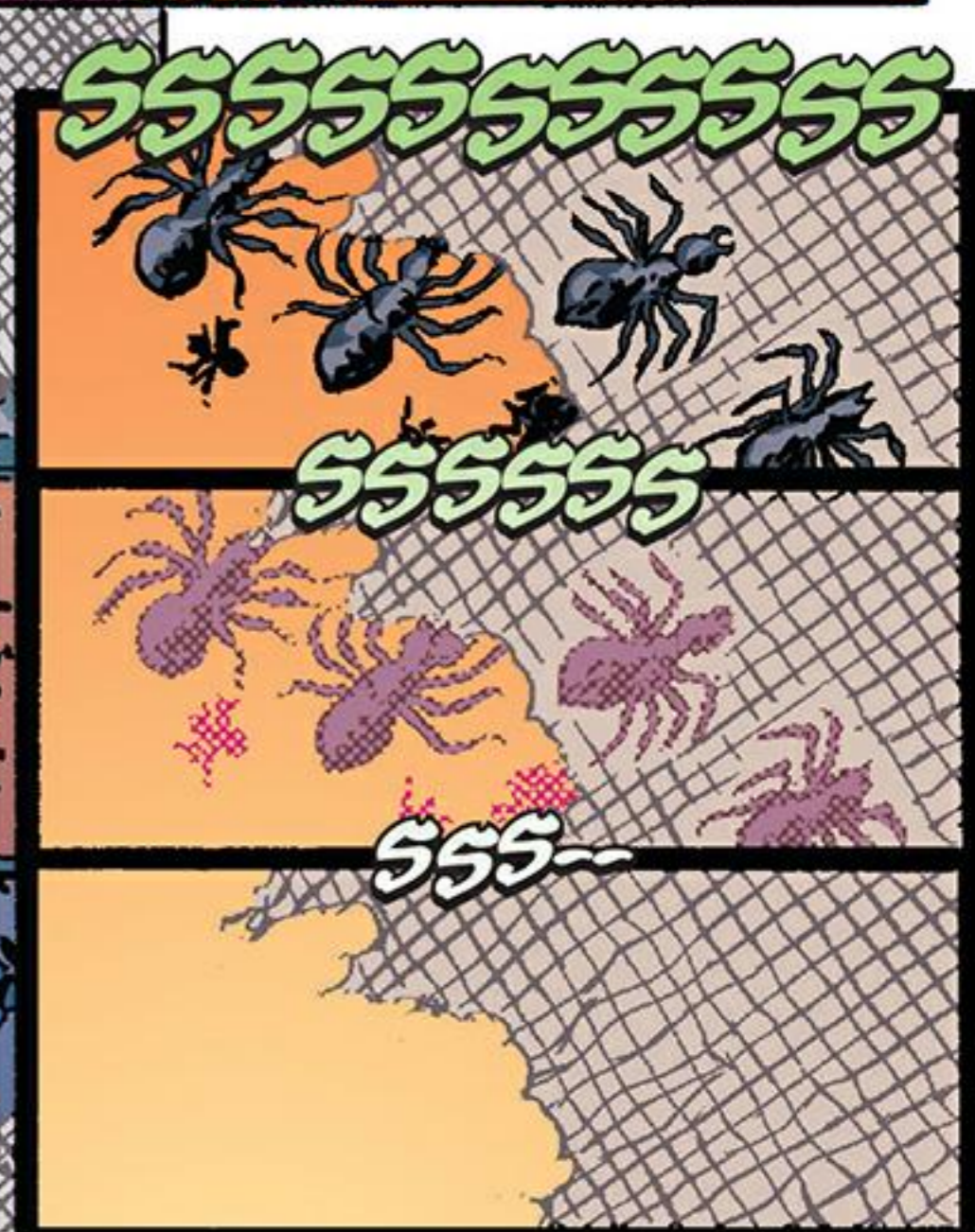
THWACK



برام مهم نیست بقیه
چی میگن تیغ. تو باید واسه
نیو جک سیتی اسکار
میگرفتی.

فقط به کارت
برس.

BOOM



SSSSSS



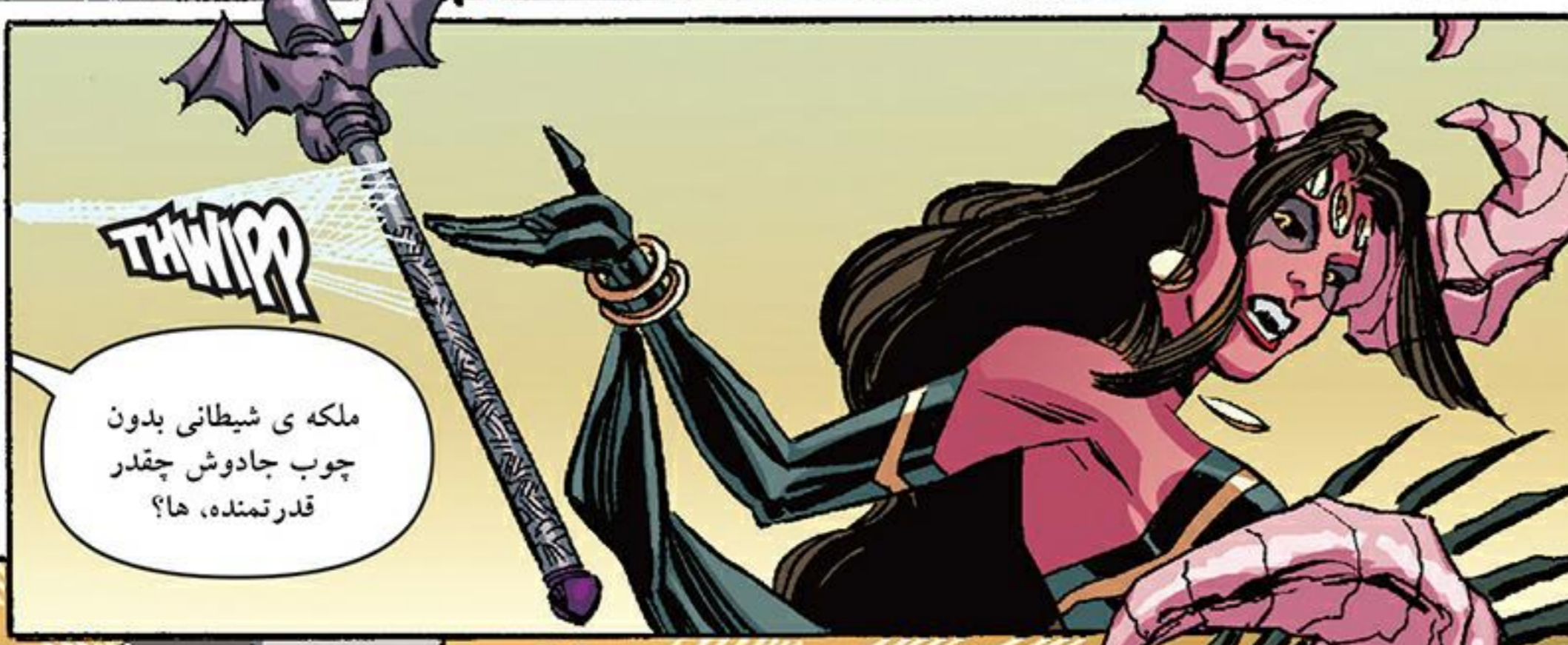
کارش تموم شد؟

آره.

کار خودت تموم
میشه الان ...



خودت بهم
بگو ...



THWIP

ملکه ی شیطانی بدون
چوب جادوش چقدر
قدرتمنده، ها؟



THUD

... مرد عنکبوتی!!

یوو هوو!
عزیزم!!



خب اینم
از ایشون.

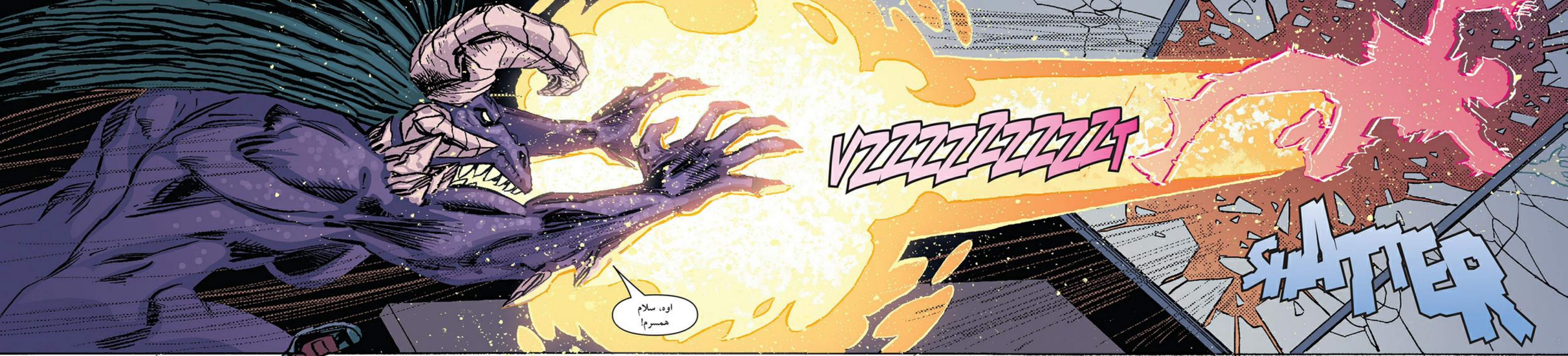
همین یکی رو
کم داشتیم.



آهای!

میشه یکتون پنجره
رو باز کنه من بایم
تو؟

عذرخواهی میکنم
ملکه ی من. هیچوقت تو
عمرم انقدر شرمسار
نبودم.



اوه، سلام
همسرم!



یه چیز جالب
شیکلاه ... من تا الان
داشتم از دست قايم
میشدم...

... ولی بازم
رسیدیم اینجا

اوه راستی،
کله معشوقهات رو
دوباره ترکوندم.



تو واسه
چی اینجایی؟
خودت واسه
چی اینجایی؟
من اول از
تو پرسیدم.
که چی؟
اصلا من شاتگانمو
میخوام.
کدوم شاتگان؟

این شاتگان!
از تیغ قرض گرفتمش،
واسه همین امکان داره
به جا سرب، چوب شلیک
کنه.



منتظر بودم
حواسش قشنگ
پرت شه.
حله رفیق! من
ترتیشو میدم!



این دختره
کیه؟
اسم من کمپیر
ون هلسینگه، ولی
دوستام گمعه صدام
میکنن.
شوخی
میکنی!!
نه، جدی همیتوری
صدام میکنن.

هیچکسی مثل وید
ویلسون نمیتونه حواسا رو
پرت کنه!

واقعاً؟
اومدم دنبال
خود تو!

هنوز به وسایل
خانوادگیت دسترسی
داری؟
بعضیاش،
چطور مگه؟



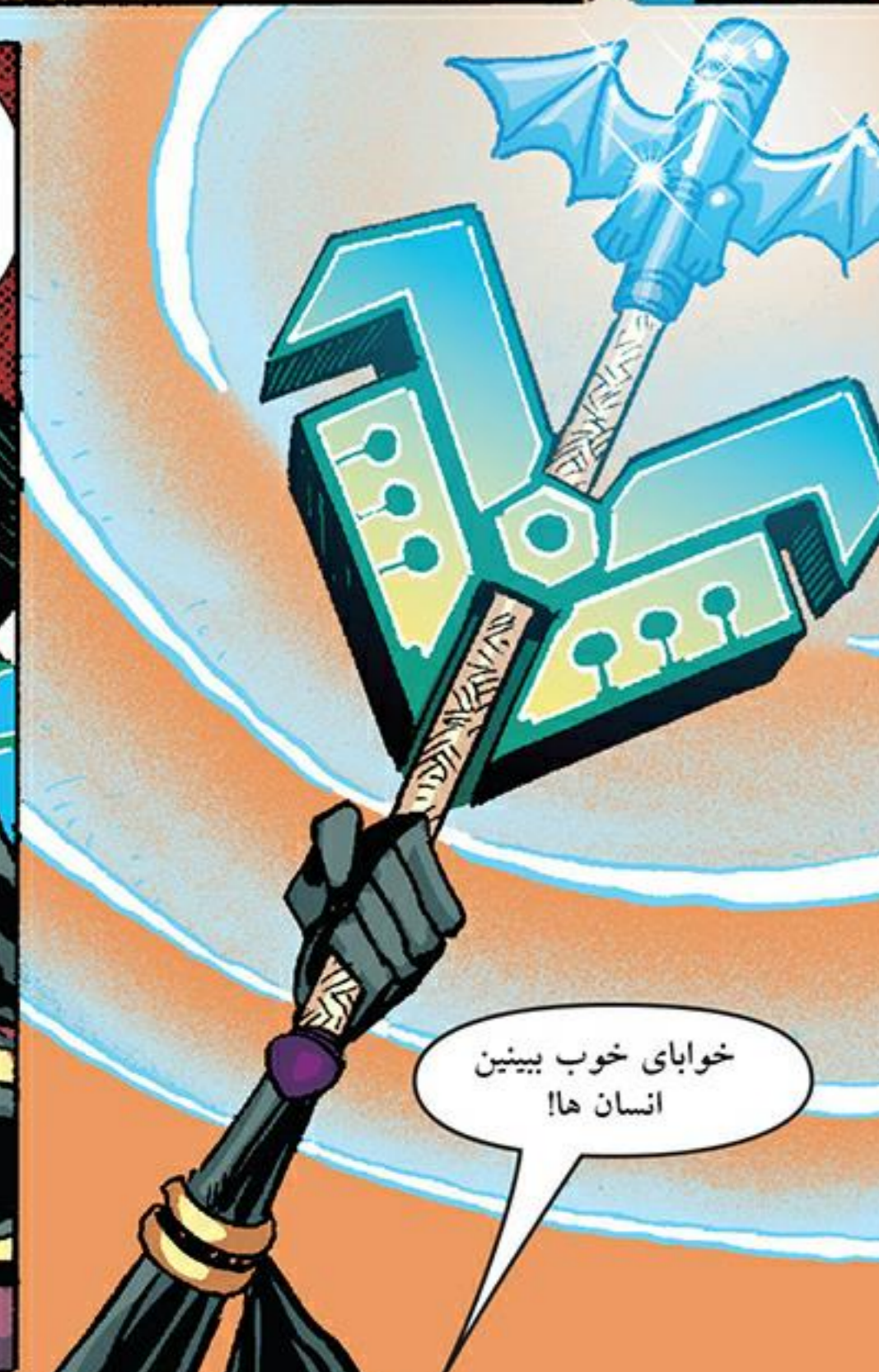
صبر کن ببینم ... تو با
اون ون هلسینگای معروف
نسبت داری؟؟ تو پروندت
زده بود اینوا!

تو واسه چی
داشتی پرونده های
منو نگاه میکردی؟!
اوه، اسم ...
بخشی از کارمه
اینجا ...

خب به هر حال
من که دیکه اینجا
کاری ندارم ...



واسه اینکه آخرین
کارتو هم واسه من و
هیولاهام انجام دادی، و حالا
ما بدون مزاحمت دیگران
حکومت میکنیم!



خوابای خوب ببین
انسان ها!



کار نکرد!
آره ... اون موقع
که بهم گفتی شعاتشو
بیشترش کنم، ممکنه کمش
کرده باشم ... در حد صفر ...



سورپرااااااااااا!
وقت نقشه‌ی
دومه.
باشه خب.
شیکلاه گفت
ترتیبون و
بدیم ...

تو میتونی بگیریشون ددپول!!

ولی نمیخوام بگیرمشون.

(خب چرا یکیشونو میخوام.)

با اینکه بدم میاد اعتراف کنم، ولی ددپول راست میگه. باید از اینجا بریم بیرون.

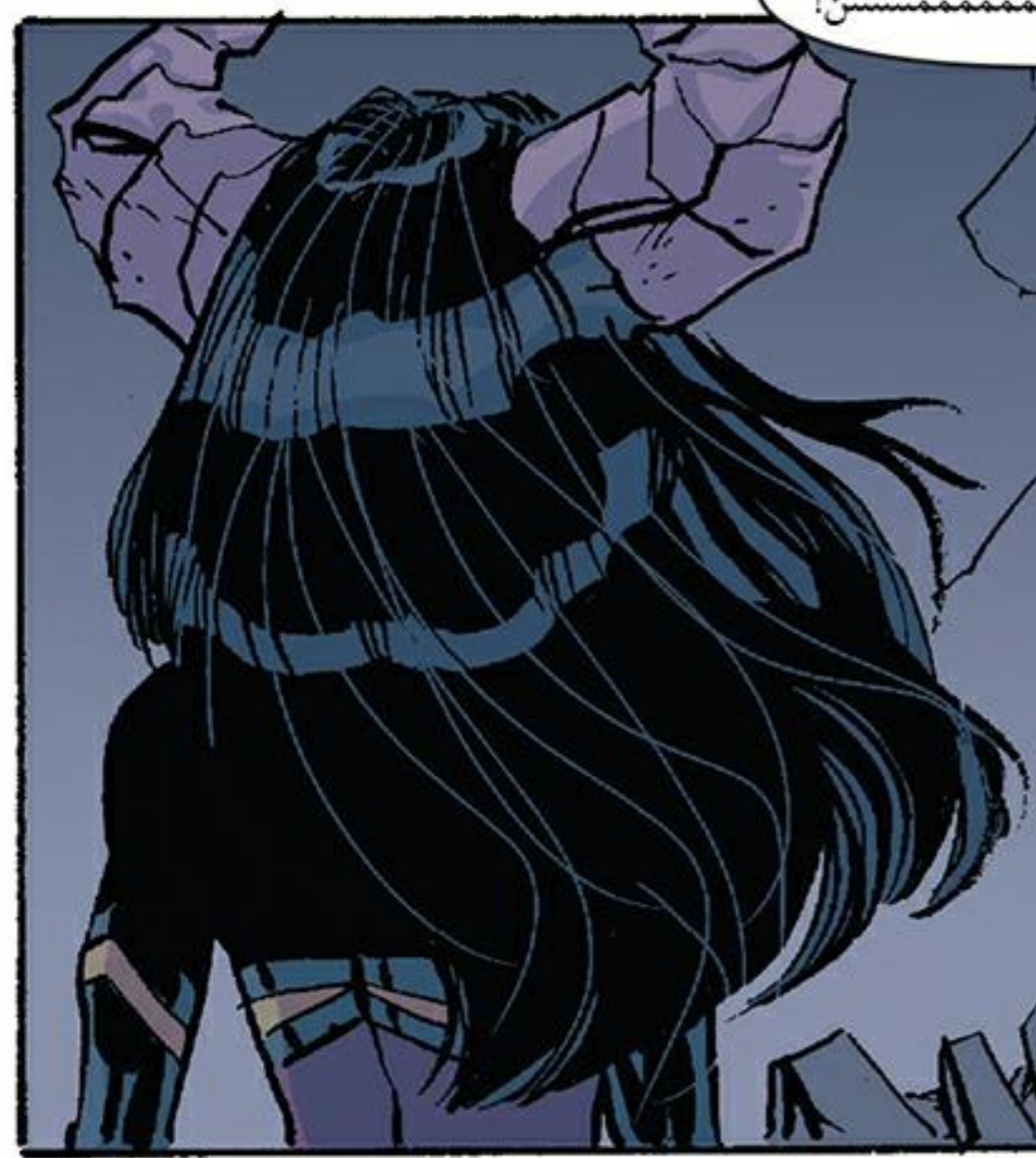
(پیچیدست.)

(حالا بعدا که دیگه نیاز نبود تو پراتنز حرف بزnm برات میگم.)



بزن بریم.

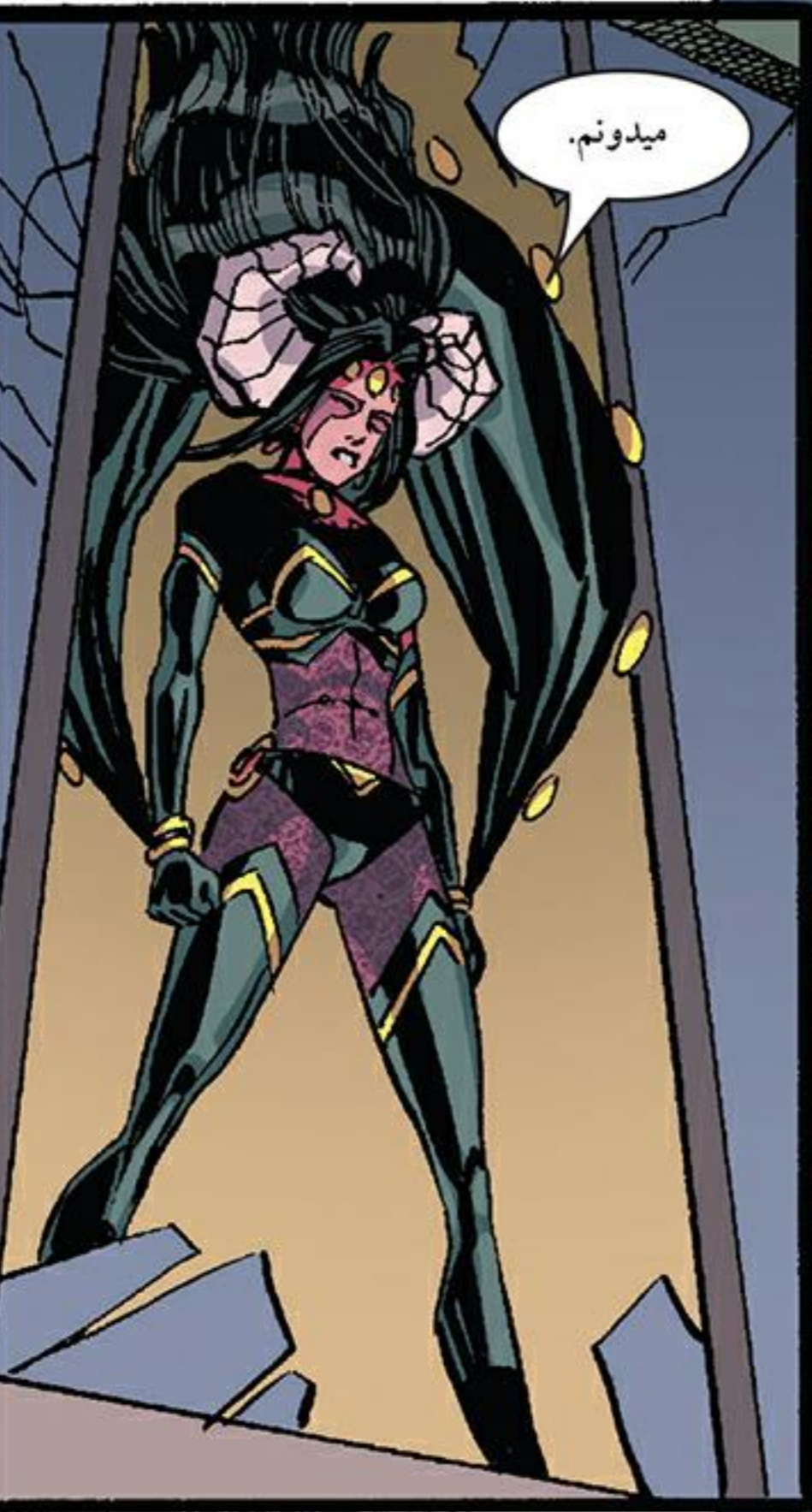
وای خدای مسشن!



شیکلاه ...



... دوست دارم ...



میدونم.



حالا بریم ببینیم دانشمندای من با این مردشنی چیکار میتونن بکنن ...





اوه ... خیلی به پوسترا توجه نکن، یکی از دوستانم واسم گرفته ... واسه شوخی ...

اوهوم!

خب، این مهمات خانوادگی. همونطور که گفتم، کامل نیست. هیچوقت علاقه‌ای به این هنرهای جادویی و اینا نداشتیم.

کنجکاوم بدونم ... چی باعث شد که از اولش به فکر اون وسیله‌ی خواب آور بفتی؟

آها، مردشمنی رو میگی؟

واقعا باید به اسم بهتر واسش پیدا کنیم.

چندسال پیش یکی به طلسم رو خانوادگی من گذاشت ... هرکی ۲۵ سال به بالا داشت توانایی خوابیدن رو از دست داد.

همشون دیوونه شدن. رفته رفته هم تک تک خودشونو کشتن.

واسه همینکه فقط من ازشون موندم.

و منم شش ماه دیگه ۲۵ سالم میشه.



که خون‌آشاما رو بگیری؟

هی، چرا همه جای دیوارت آینه گذاشتی؟

اینآینه نیستن ددپول.

هرچی تو بگی.

راستی ... کمی، تو وسایل خانوادگیت چیزی نداری که بشه باهاش به هیولا رو پیدا کرد؟



جالبه که همچین چیزی پرسیدی. یکی از پایه‌های میز آشپزخونه‌ام شکست و منم این تیکه چوبو تو صندوق پیدا کردم. کارش تو نگه داشتن میزم عالیه ... ولی افسانه‌ها میگن که میتونه هیولاهای خاص رو هم پیدا کنه.



چرا؟ کیو قراره پیدا کنیم؟

تنها موجود رو زمین که شاید بتونه این حمله رو خاتمه بده ...



در اکیولا!

ادامه‌ی داستان در
ددپول و مزدورهای آماده‌ی
پول قمست نهم!

COMIC CITY

DEADPOOL

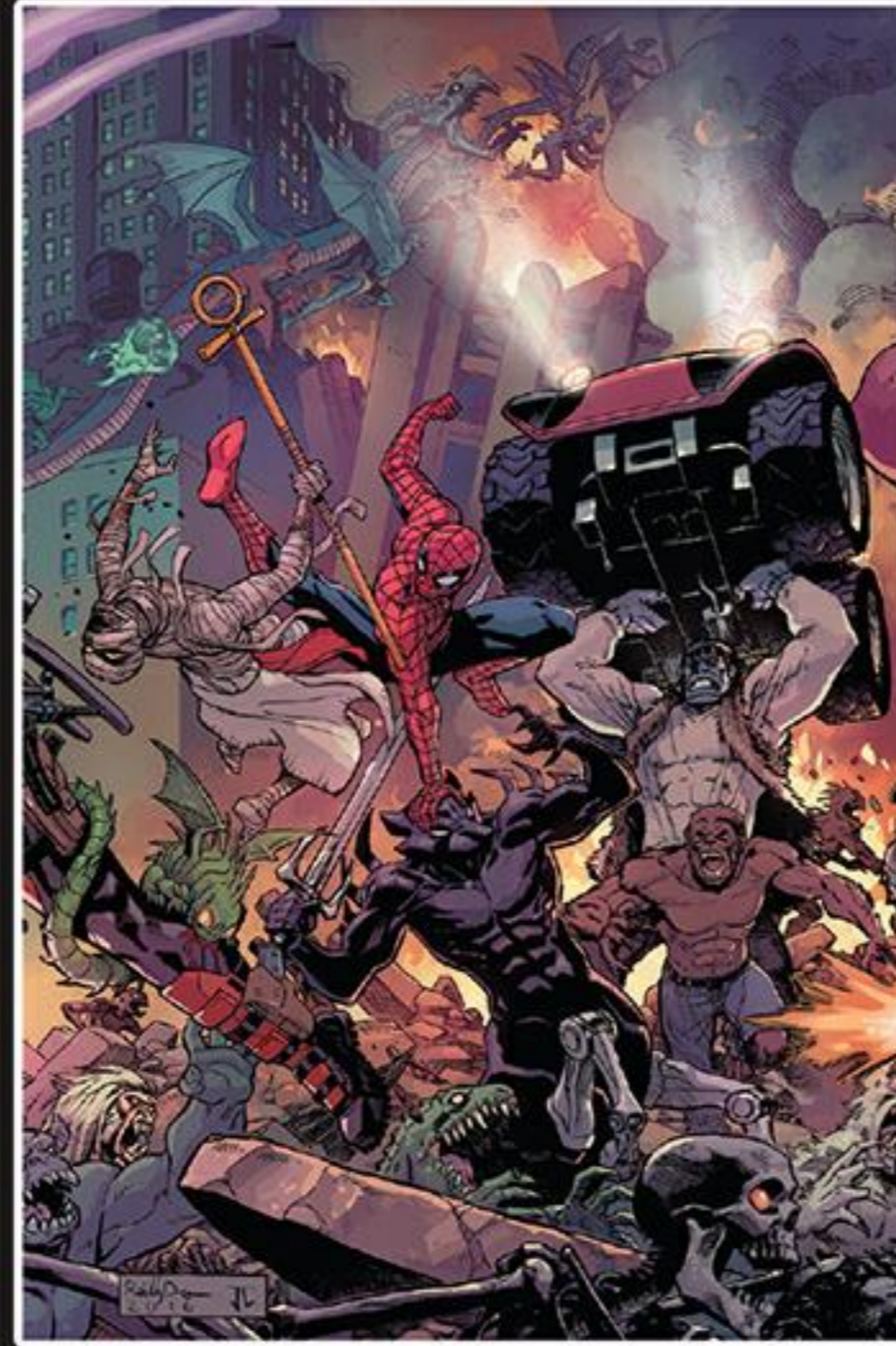
تا لحظه ی مرگ ...

قسمت اول



ددپول شماره ۲۸

قسمت دوم



مرد عنکبوتی و ددپول شماره ۱۵

قسمت سوم



ددپول و مزدورهای آماده ی پول شماره ۹

قسمت چهارم



مرد عنکبوتی و ددپول شماره ۱۶

قسمت پنجم



ددپول و مزدورهای آماده ی پول شماره ۱۰

قسمت ششم



ددپول شماره ۲۹

ترجمه شده توسط:

کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 www.comic-city.ir

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman